



اداره آموزش و پرورش شهرستان نیشابور
مؤسسه فرهنگی آموزشی امام حسین (ع)
دبیرستان دخترانه امام حسین (ع) - دوره دوم متوسطه
«جشنواره علمی پژوهشی تا ثریا»

عنوان:

نقش آموزش و پرورش در ایجاد و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی

پژوهشگر:

فاطمه زهرا خوش بین نزدیک

پایه و رشته تحصیلی:

متوسطه دوم / اول تجربی

زمستان ۹۶

ستایش

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق

او را گزاردن نتوانند. و سلام و مورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار

وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

تقدیر و شکر

بدون شك جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم. اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب ” من لم یشکر

المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ”

از معلم با کمالات و شایسته؛ سرکار خانم سلیمانی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند کمال شکر را دارم.

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد رسمی در امر تعلیم و تربیت می باشد که هدف اصلی آن رشد همه جانبه دانش آموزان است. یکی از کارکردهای آموزش و پرورش در تحقق اقتصاد مقاومتی می تواند در فرهنگ سازی استفاده و مصرف کالاهای ایرانی، سبب پیشرفت و توسعه یافتگی شود زیرا آموزش و پرورش با در اختیار داشتن حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور که معادل بیش از یک پنجم کل جمعیت است، می تواند در تبیین الگوی استفاده از کالاهای ایرانی و اصلاح فرهنگ مصرف تاثیر فراوانی داشته باشد. جریان اقتصاد مقاومتی برای جاری شدن در جامعه نیازمند تحقق بسترهای فرهنگی مناسب است. در واقع بدون ایجاد و ترویج این بسترها نمی توان انتظار داشت این رویکرد در اقشار مختلف مردم که تعیین کننده ترین نقش را در اقتصاد دارا هستند نهادینه و به مرحله اجرا درآید. بی شک پس از پذیرفتن نگاه فرهنگی به اقتصاد مقاومتی به عنوان یک از پایه های تحقق این مهم در سطوح مختلف جامعه، آموزش و پرورش در جایگاه اصلی ترین محمل شکل گیری و ترویج خطوط فرهنگی کشور مورد توجه خواهد بود. هدف اساسی مقاله حاضر، بررسی نقش آموزش و پرورش در فرهنگ سازی و نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی می باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش می توان به این نتیجه رسید که بروز رسانی آرمان های فرهنگی در صحنه های اجتماعی خواهان به کارگیری الزامات اجرایی از سوی مدیران فرهنگی جامعه است و نقش آموزش و پرورش و جامعه فرهنگی در جهت فضا سازی ذهنی و عینی در جامعه ناگزیر و یقینی است.

فهرست مطالب:

۱	مقدمه
۳	اهداف پژوهش
۳	فرضیه پژوهش
۳	سوالات پژوهش
۴	ابزار گردآوری دادهها
۵	طرح مسأله
۷	ادبیات پژوهش
۸	اهمیت مسأله
۹	اقتصاد مقاومتی
۱۱	نقش آموزش و پرورش در تحقق اقتصاد مقاومتی
۱۲	نقش آموزش و پرورش و معلمان در ایجاد و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی
۱۴	ارتباط اقتصاد مقاومتی و آموزش و پرورش با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری
۱۵	راهکارهایی برای آموزش اقتصاد مقاومتی به دانش آموزان
۱۷	نتیجه گیری
۱۹	پیشنادهای پژوهش
۲۱	منابع

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی زنده، رو به جلو و رشد یابنده است، اقتصاد مقاومتی بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم، سد راه پیشرفت جامعه است که باید بر آن غلبه کرد. از ویژگی‌های مهم اقتصاد مقاومتی، مردم بنیاد بودن آن است □ یعنی این نوع از اقتصاد مبتنی بر اراده، سرمایه و حضور مردم است. اقتصاد مقاومتی مسئله اصلی حال حاضر نظام اسلامی در عرصه ی اقتصاد است. اقتصاد مقاومتی یک راه حل کوتاه مدت برای مقابله با تحریم‌ها نیست. اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد مردم نهاد و درون‌زا است. اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد دانش بنیان است که در نظر دارد با تکیه بر ظرفیت‌های پایدار اقتصادی در داخل کشور علاوه بر تعامل با اقتصادهای جهان کشور را در برابر تکانه‌های جهانی اقتصادی محافظت کند. واژه ی اقتصاد مقاومتی اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند. با مروری بر بندهای ۲۴ گانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ و بدون در نظر گرفتن بندهایی که مستقیماً بخش فرهنگ را به عنوان یک هدف در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار داده‌اند می‌توان حضور یک روح فرهنگی را در تمام این ابلاغیه برای نهادینه شدن اقتصاد مقاومتی در جامعه مشاهده کرد. مقام معظم رهبری در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به این امر توجه نموده‌اند و در بندهای ۲۰ و ۲۱ این سیاست‌ها نیز بر «تقویت فرهنگ جهادی» و «تبيين ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن» تأکید کرده‌اند (طغیانی، ۱۳۹۴).

نظام آموزش و پرورش کشور به عنوان رکن اساسی تربیت نیروی انسانی کشور در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که پس از بررسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام در بهمن ماه ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد نقش مهمی داشته که از جمله می‌توان به افزایش سهم سرمایه انسانی در اقتصاد از طریق ارتقا آموزش، محور قرار دادن بهره‌وری و توانمندسازی نیروی کار، اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالای داخلی، فعالسازی منابع و سرمایه‌های

انسانی در جهت توسعه کارآفرینی، پیشبرد اقتصاد دانش بنیان و اجرای نقشه جامع علمی کشور و تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در محیط های علمی اشاره کرد. آموزش و پرورش با ایجاد آمادگی ذهنی و روحی برای کارآفرینی، استفاده از تولیدات داخلی و صرفه جویی در امور مختلف زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی در جامعه ایجاد می کند. در واقع تدوین کتب درسی و گنجانیدن مفاهیم و مطالب در آن ها بر مبنای اقتصاد مقاومتی زمینه را برای تحقق اهداف آموزش و پرورش در این زمینه فراهم می کند. آموزش و پرورش نقش مهمی در فرهنگ سازی برای ترویج و بسط آن چه در نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن هستیم در بین دانش آموزان و خانواده ها دارد. سیاست های این موضوع در کشورمان باید به یک گفتمان عمومی تبدیل شود و آموزش و پرورش رسالت و نقش مهمی در این گفتمان سازی دارد (هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۳). هر چند دستگاه های دیگر از جمله صدا و سیما و رسانه ها باید در این زمینه نقش داشته باشند، اما وزارت آموزش و پرورش به دلیل جمعیت کثیری که در مجموعه خود تحت پوشش دارد، بیشترین نقش را می تواند داشته باشد. فرهنگ سازی، مطالبه گری و آماده سازی این مجموعه عظیم برای مصرف درست و استفاده از کالای داخل، ظرفیت هایی است که در وزارت آموزش و پرورش وجود دارد. باید با یک حرکت انقلابی و عظیم جامعه را به سمت استفاده از تولیدات داخل سوق داد تا علاوه بر مصرف صحیح بتوان اقتصاد را مقاوم و شکوفا ساخت. باید با تقویت تولید، با اصلاح توزیع و مصرف صحیح به اقتصاد مقاوم رسید و باید کاری کرد تا بیشتر تولید داخلی مصرف شود هر چند در این خصوص حرکت های بسیاری صورت گرفته است اما کافی نیست و وزارت آموزش و پرورش باید در تمامی این مسائل پیشرو باشد (محمد زاده و عبدی، ۱۳۹۵).

اهداف پژوهش

بررسی نقش آموزش و پرورش در ایجاد و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی

فرضیه های پژوهش

بین نقش آموزش و پرورش در ایجاد و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد.

سوالات تحقیق

آیا بین نقش آموزش و پرورش در ایجاد و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد؟

ابزار گردآوری داده‌ها

روش تحقیق پژوهش، روش کتابخانه‌ای است. مقالات علمی و کتاب‌های معتبر در این زمینه استفاده شده است.

طرح مسأله

اقتصاد ایران همواره با موانع و مشکلاتی روبرو بوده است. اولین مشکلی که اقتصاد کشور ایران و شاید دیگر کشورها را تهدید می کند مسئله تورم است. مشکل دیگر نیز بیکاری جوانان و به ویژه فارغ التحصیلان دانشگاهی است. در این میان همه می دانیم آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه است. آموزش افراد نوعی سرمایه گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد، سرمایه انسانی که در نتیجه آموزش حاصل می شود از مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی است (سعیدی کیا، ۱۳۹۴). فشارها و ضربه های اقتصادی برای آموزش و پرورش از دو جنبه قابل بحث است، یکی مربوط به فشارهای خارجی است که عمدتاً تحریم و جنگ نرم در شرایط فعلی عامل اصلی این بخش است و جنبه دیگر فشارهای داخلی است که به مجموعه عواملی تلقی می شود که موجب بازدارندگی در اجرای سیاست گذاری های کلان آموزش و پرورش می گردد. وزارت آموزش و پرورش کشور نیز دارای مشکلات اقتصادی می باشد که حل کردن آن ها می تواند تأثیر بسزایی در پیشرفت جامعه داشته باشد. بنابراین اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی در این وزارت باید در اولویت کار قرار گیرد (محمدزاده و عبدی، ۱۳۹۵). عملکرد کنونی آموزش و پرورش نمی تواند نیاز یک جامعه پیشرو و در حال تحول را تامین کند، امروز فرزندانمان را با هزار امید و آرزو به مدرسه راهی می کنیم برای پیشرفت آنها وقت و هزینه بسیار صرف، پس از دیپلم به دنبال لیسانس و مدرکی دیگر. سیستم تعلیم و تربیت در تمام سطوح آن چقدر به آموزش مشاغل و حرفه بها می دهد؟ چه زمان به این آگاهی می رسیم که لیسانس یا فوق لیسانس مجوز کار نیست؟ و آموزش به شکل فعلی یکی از موانع اصلی توسعه است.

آموزش پرورشی که در کلان کشور به عنوان یک، سازمان انسان ساز تنها در شعار مطرح میشود، نتیجه ای جز نخبه پروری ناقص به دور از اخلاق و تربیت، تعهد و وجدان و فراموشی بخش عظیم جمعیت دانش آموزی نخواهد داشت، باید متحول شود. لذا با تاکید می گویم جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و مقاوم سازی اقتصاد و تکیه آن بر بنیان های درونی چاره ای نداریم که نگاه خودمان را به مدارس به عنوان کارخانه های انسان سازی و تعلیم و تربیت تغییر دهیم و نقش

و کارکرد آنها را باز تعریف نماییم. تعلیم و تربیت را در تمام سطوح به عنوان پایه و اساس رشد و حرکت در تمام مسیرها بدانیم و اولویت اول را به آن بدهیم.

تنها در این حالت است که می توان توقع داشت نتیجه این نوع آموزش، تربیت انسانهایی با ایمان، با وجدان، تعهد، غیرت و... خواهد شد که سفیر فرهنگی کشور در هر گوشه ای از دنیا زندگی می کنند خواهند بود هم اقتصاد مقاومتی را محقق می سازند و هم باعث حفظ عزت و عظمت ایران خواهند شد. همواره کار در حوزه فرهنگ و آموزش و پرورش که نمود آنی ندارد به وقت مقتضی موکول میشود و زمان مقتضی در لابه و لای ضرورتهای دیگر، پیش نمی آید و اگر پیش آید فرصت پرداخت جدی به آن وجود ندارد. سوالی که برای بنده مطرح است، چرا با مقوله فرهنگ به این صورت برخورد می کنیم؟ چه زمانی فرهنگ اولویت پیدا خواهد کرد و اصل و اساس همه برنامه ها قرار خواهد گرفت؟

ادبیات پژوهش

اقتصاد مقاومتی: برای مفهوم اقتصاد مقاومتی، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه ای به این موضوع نگاه کرده اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» بدین منظور در اقتصاد مقاومتی، اداره مدارس به صورت مشارکت بخش خصوصی - دولتی موجب می شود بخش خصوصی بتواند با تنظیم قرارداد مطابق با استانداردهای آموزشی تعریف شده از سوی وزارتخانه فعالیت کند. به طوری که مالکیت مدارس بر عهده دولت باشد و اداره مدارس به مدیران و معلمان متقاضی واگذار شود و دولت بر طبق قراردادی با گروه فرهنگیان متقاضی طی زمان مشخص مدارس را در واقع به بخش خصوصی واگذار کند.

مدرسه به عنوان اولین جامعه ای که هر فرد تجربه می کند، نقشی اساسی در شکل دهی شخصیت و هویت فرد بازی می کند و معلم به عنوان فردی که شاید پس از مادر، تربیت کننده دوم کودک باشد، هدایتگری مهم به حساب می آید. گشودن ابعاد مختلف تربیتی از حوصله و هدف این مطلب خارج است اما نتیجه ای که از طرح این موضوع مدنظر است، نقش مهمی است که معلم در فرهنگ سازی برای نسل آینده ایفا می کند. در مقاله خود با عنوان نقش آموزش و پرورش در تجلی اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی نتیجه گرفت که حیطه کاری آموزش و پرورش در رابطه با کارآفرینی، نباید تنها در هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش محدود شود، بلکه باید به فکر تدریس این درس در قالب های متفاوت و کاربردی در شاخه نظری هم بود، چه بسا که آشنایی دانش آموزان شاخه نظری با کارآفرینی، علاوه بر این که می تواند به انتخاب رشته دانشگاهی آنان کمک نماید، به دانش آموزانی که به هر دلیل مسیر دانشگاه را برای ادامه تحصیل انتخاب نمی کنند، کمک خواهد کرد تا بعد از فارغ التحصیلی از مقطع متوسطه، وارد بازار کار شده و نقش مؤثری در پویایی اقتصاد در مسیر صحیح، ایفا نمایند که البته این مهم، نیاز به برنامه ریزی از سوی برنامه ریزان و مسئولین آموزش و پرورش دارد خانی (۱۳۹۳).

اهمیت مسأله

امروزه آموزش و پرورش بین تمامی جوامع از اهمیت خاصی برخوردار شده است. شاید علت اصلی آن را بتوان در نقشی جست و جو کرد که آموزش و پرورش برای ایجاد و یا حفظ ارزش ها و وحدت ملی ایفا می کند، زیرا آموزش و پرورش از طریق تحولاتی که در رفتار فردی به وجود می آورد، در رشد و پویایی فرهنگ جامعه نیز تأثیر عمیقی بر جای می گذارد و در حقیقت افزایش میزان مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که در تحول جامعه نقش اساسی دارد وابسته به سطح آموزش و پرورش آنان است. این وابستگی عمیق ناشی از تأثیر تعلیم و تربیت در ایجاد و درونی ساختن رفتارهای مورد نیاز اجتماعی و اقتصادی و نیز به وجود آوردن نگرش مشترک بین اعضای اجتماع می باشد و از این نظر به عنوان کارساز ترین و واقعی ترین فرایند در دست یابی به تغییرات محسوب می گردد (طغیانی، ۱۳۹۴). پس ایجاد تغییراتی در شیوه مدیریت های اقتصادی آموزش و پرورش می تواند تأثیرات بسزایی در شرایط اقتصادی جامعه ایجاد کند. ارتقای کارایی، کاهش نابرابری ها و تأمین عدالت آموزشی از جمله مأموریت های آموزش و پرورش است که برای آن لازم است سیاست ها و برنامه های ویژه طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شود. به منظور مردمی کردن اقتصاد آموزش و پرورش و ایجاد عدالت آموزشی، نیازمند مشارکت مبتنی بر مدرسه محوری هستیم. مسئولیت فرهنگیان در قبال تحقق اقتصاد مقاومتی به دلیل تماس مداوم و مستقیم آنان با دانش آموزان از یک سو و تماس و اثرگذاری غیرمستقیم بر خانواده های دانش آموزان از سوی دیگر بسیار مهم و قابل توجه است. گفتمان سازی، فرهنگ سازی و مطالبه گری از جمله مهم ترین وظایف فرهنگیان در این زمینه است. با توجه وضعیت عینی جامعه و به سبب عدم ارائه برنامه عملیاتی از سوی مدیریت آموزش و پرورش در موضوع اقتصاد مقاومتی چگونه می توان بزرگ ترین مجموعه معنوی و فرهنگی کشور (آموزش و پرورش) را در این موضوع فاقد مسئولیت دانست (محمد زاده و عبدی، ۱۳۹۵). آموزش و پرورش به عنوان بزرگ ترین دستگاه فرهنگی و مولد نیروی انسانی بیش از گذشته دغدغه های معظم له را در دستور کار خود قرار دهد و با آموزش مفاهیم پایه و اساسی اقتصاد بر استحکام و مقاومت اقتصاد اسلامی بکوشد. یعنی باید مفاهیمی آموزش داده شود که هم باعث ایجاد دیوار دفاعی در مقابل دشمنان شود که به فکر انهدام چرخه اقتصادی کشور با ترفند هایی مانند تحریم ها هستند و هم مسیرهای انحرافی راهزنان اقتصاد داخلی را که در قالب رشوه، ربا، احتکار، رانت خواری، پارتی بازی و ... بروز و ظهور پیدا می کند، ریشه کن کند. در آموزش و پرورش مسائلی وجود دارد که موجب ائتلاف آموزشی می گردد. در شرایط اقتصاد مقاومتی در

آموزش و پرورش باید به دنبال راه های کاهش اتلاف آموزشی باشیم، بدین لحاظ باید به دنبال تامین منابع باشیم وازوابسته بودن بودجه آموزش و پرورش به بودجه ی دولتی و درآمد نفت بکاهیم ودرتوانمندسازی بخش خصوصی برای اداره آموزش و پرورش بکوشیم.

اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش بر خود اتکایی است. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که با آینده‌پژوهی دقیق و عالمانه تمامی فرصت‌های آتی دشمن را برای ضربه زدن به اقتصاد کشور شناسایی کرده و راه کار مناسب را در سطوح مختلف به کار می‌گیرد (آقا محمدی، ۱۳۹۳).

اقتصاد مقاومتی مفهومی سیاسی، ایدئولوژیک و غیرعلمی نیست که به دلایل مسائل تحریم در جمهوری اسلامی خلق و ابداع شده باشد. این مفهوم دارای جریان علمی سابقه‌داری در دنیا است که تحت عنوان پروژه مقاوم‌سازی و استحکام بخشی به اقتصادهای پیشرفته بعد از جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از بحران ۱۹۷۰ میلادی مطرح بوده و هست. امروزه فهرستی از نظریات اقتصادی با عناوینی مانند تاب‌آوری، استحکام، پایداری، ثبات، ضد شکنندگی و .. در بین اقتصاد دانان وجود دارد که هر یک به نحوی سعی در مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی کلان یا منطقه‌ای، یا فردی یا بخشی دارند. به همین دلیل اقتصاد مقاومتی در هدف خود که استحکام بخشی به اقتصاد کشور است جریانی علمی است، البته با این تفاوت که مقاوم‌سازی اقتصاد ایران دارای بخش‌های متمایز و افزوده‌ای نیز می‌باشد. بررسی این نظریات نشان می‌دهد هر آن چه در تئوری‌های علمی و تجارب بشری، امروزه موجود است با گزاره‌هایی سازگاری دارد. ضمن این که در فضای اقتصاد مقاومتی می‌توان مفاهیم جدیدی نیز اضافه نمود. علاوه بر آن چه در نظریات علمی در راستای مفهوم اقتصاد مقاومتی پی‌گیری می‌شود در دنیا تجارب زیادی نیز وجود دارد که اقتصاد مقاومتی در عمل پیاده شده است. اگرچه لفظ آن به کار گرفته نشده است. این تجربیات برخی در تاریخ وقایع اقتصادی دنیا موجود است که نمونه‌های آن اقدامات مقاوم‌سازی آلمان در مقابل انگلستان در قرن نوزدهم، اقدامات مشابه آمریکا در دوره کسب استقلال از انگلستان، اقدامات غرب بعد از بحران نفتی ۱۹۷۰ در حوزه مقاوم‌سازی اقتصادی خود در مقابل شوک‌های انرژی، فعالیت‌های مقاوم‌سازی اقتصادی در کشورهای نظیر ژاپن، چین، کره جنوبی، روسیه و... تنها نمونه‌هایی از پیاده شدن اقدامات مقاوم‌سازی و استحکام بخشی به اقتصاد در جهان می‌باشد (طغیانی، ۱۳۹۴).

نقش آموزش و پرورش در تحقق اقتصاد مقاومتی

بی شک پس از پذیرفتن نگاه فرهنگی به اقتصاد مقاومتی به عنوان یک از پایه‌های تحقق این مهم در سطوح مختلف جامعه، آموزش و پرورش در جایگاه اصلی‌ترین محل شکل‌گیری و ترویج خطوط فرهنگی کشور مورد توجه خواهد بود.

جریان اقتصاد مقاومتی برای جاری شدن در جامعه نیازمند تحقق بسترهای فرهنگی مناسب است، در واقع بدون ایجاد و ترویج این بسترها نمی‌توان انتظار داشت این رویکرد در اقشار مختلف مردم که تعیین‌کننده‌ترین نقش را در اقتصاد دارا هستند نهادینه و به مرحله اجرا درآید. بی شک پس از پذیرفتن نگاه فرهنگی به اقتصاد مقاومتی به عنوان یک از پایه‌های تحقق این مهم در سطوح مختلف جامعه، آموزش و پرورش در جایگاه اصلی‌ترین محل شکل‌گیری و ترویج خطوط فرهنگی کشور مورد توجه خواهد بود. در واقع تبیین وظایف و مسئولیت‌های آموزش و پرورش و نهاد مدرسه در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نقشی محوری در شکل دادن به باور و خواست ملت در ضرورت پیگیری و تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان تنها راهکار ادامه حیات اقتصادی کشور در دنیای پر آشوب کنونی است.

نقش آموزش و پرورش و معلمان در ایجاد و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی

نظام آموزشی کشور با در اختیار داشتن بیشترین زمان برای اثرگذاری در ذهن و عملکرد افراد جامعه از سنین کودکی تا مقطع مهمی از رشد در دوره جوانی منبع مهمی برای تامین و نقش معلمین در تحقق سیاست‌ها و خط مشی‌های اعلامی نیز در نهادی همچون مدرسه بسیار پررنگ‌تر از عوامل اجرایی در بخش‌های دیگر در موضوع اقتصاد مقاومتی است. فرهنگ اشاعه شده از طریق برنامه رسمی آشکار یعنی کتاب‌های درسی، محتوای آموزشی و ارتقاء سرمایه انسانیست.

فعالیت‌های رسمی تعریف شده همه‌ی تاثیری نیست که مدرسه می‌تواند بر مخاطبین خود بگذارد. علاوه بر برنامه درسی آشکار، «برنامه درسی پنهان» (از جمله رفتار و سلوک معلمان و اولیای مدرسه و روابط بین دانش‌آموزان) نیز تاثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری فرهنگی دانش‌آموزان دارد. چه بسا اثری که دانش‌آموزان به ویژه در سنین پایین‌تر از برنامه درسی پنهان در این رابطه بپذیرند، بیش از بخش رسمی و آشکار برنامه‌های مدرسه باشد. آموزش و پرورش به عنوان بزرگ‌ترین دستگاه فرهنگی و یکی از اصلی‌ترین نهادهای تربیت رسمی و عمومی نهادی تحول‌آفرین و فرهنگ‌ساز مفتخر است در اجرای منویات مقام معظم رهبری برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در عرصه تعلیم و تربیت برنامه ریزی کند. همچنین اجرای همه برنامه‌ها در دستگاه وسیع آموزش و پرورش رامنوط به تطبیق با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی مقام معظم رهبری) کرده است و با تشکیل کمیته تخصصی اقتصاد مقاومتی تاکید بر فرهنگ سازی در اقشار مختلف جامعه و گروه‌های مختلف سنی مفاهیمی هم چون قناعت، صرفه جویی، تلاش و کار آفرینی و استفاده از تولید ملی و مصرف بهینه و کار با کیفیت را با هدف: رشد بهره‌وری، ارتقای آموزش به منظور سرمایه انسانی، توسعه‌ی کارآفرینی، اصلاح نظام مالی، اصلاح الگوی مصرف، ترویج کالاهای داخلی و توسعه‌ی فنی و حرفه‌ای و اشتغال رابرابر برای اعتلای اقتصادی کشور پیگیری کند.

اقتصاد مقاومتی عمدتاً بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم، سدره پیشرفت جامعه است که باید بر آن غلبه کرد. البته این فشارها برای آموزش و پرورش از دو جنبه قابل بحث است؛ یکی مربوط می‌شود به فشارهای خارجی که عمدتاً تحریم و جنگ نرم در شرایط فعلی عامل اصلی این بخش است و جنبه دیگر فشارهای داخلی، یعنی مجموعه عواملی است که موجب باز

دارندگی در اجرای سیاست گذاری های کلان آموزش و پرورش می شود. که باید بپیش گرفتن اقتصاد مقاومتی بر این فشارها غلبه کرد.

مدرسه مکانی است که بیشترین تاثیر را روی افراد جامعه دارد و به همین نسبت مردم نیز روی آن تاثیر دارند. امروزه آموزش و پرورش بین تمامی جوامع از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ شاید علت اصلی آن را بتوان در نقشی جست و جو کرد که آموزش و پرورش برای ایجاد و یا حفظ ارزش ها و وحدت ملی ایفا می کند، زیرا آموزش و پرورش از طریق تحولاتی که در رفتار فردی به وجود می آورد، در رشد و پویایی فرهنگ جامعه نیز تأثیر عمیقی برجای گذارد و در حقیقت افزایش میزان مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که در تحول جامعه نقش اساسی دارد وابسته به سطح آموزش و پرورش آنان است. این وابستگی عمیق ناشی از تأثیر تعلیم و تربیت در ایجاد و درونی ساختن رفتارهای مورد نیاز اجتماعی و نیز به وجود آوردن نگرش مشترک بین اعضای اجتماع می باشد و از این نظر به عنوان کارسازترین و واقعی ترین فرایند در دست یابی به تغییرات مورد نظر اجتماعی محسوب می گردد. پس ایجاد تغییراتی در شیوه مدیریت های اقتصادی آموزش و پرورش میتواند تاثیرات بسزایی در شرایط اقتصادی جامعه ایجاد کند.

بنابراین مهم است تاثیراتی که آموزش و پرورش، مدرسه و معلمان بر مقوله مهم اقتصاد مقاومتی دارند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در شرایط وجود فشارهای خارجی، توزیع ناعادلانه امکانات آموزشی و همچنین نابرابری در پیشرفت تحصیلی دو موضوع جدی هستند که بهره مندی مناسب همه گروه ها از آموزش و پرورش را دچار آسیب می کند و موجب نارضایتی و تحت تاثیر قرار گرفتن اجرای سیاستگذاری کلان می شود. ارتقای کارایی، کاهش نابرابریها و تامین عدالت آموزشی از جمله مأموریت های آموزش و پرورش است که برای آن لازم است سیاست ها و برنامه های ویژه طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شود. به منظور مردمی کردن اقتصاد آموزش و پرورش و ایجاد عدالت آموزشی، نیازمند مشارکت مبتنی بر مدرسه محوری هستیم. اقتصاد مقاومتی که پس از بررسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام در بهمن ماه ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد نقش مهمی داشته که در این بخش به طور مختصر به بررسی آن با تاکید بر بندهایی که آموزش و پرورش در آن نقش محوری دارد خواهیم پرداخت.

ارتباط اقتصاد مقاومتی و آموزش و پرورش با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری

اصول اقتصاد مقاومتی با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری به این شرح است:

۱- مردمی کردن اقتصاد

۲- توسعه صنایع دانش بنیان

۳- استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات.

به نظر می رسد مسئولیت فرهنگیان در قبال تحقق عملی اقتصاد مقاومتی به دلیل تماس مداوم و مستقیم آنان با دانش آموزان از یک سو و تماس و اثرگذاری غیرمستقیم بر خانواده های دانش آموزان از سوی دیگر بسیار مهم و قابل توجه است. اما اقدام عملی فرهنگیان برای تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟ در پاسخ به این سوال، سه وظیفه مهم را می توان برای فرهنگیان در نظر گرفت: ۱- گفتن سازی ۲- فرهنگ سازی ۳- مطالبه گری. قدم اول در گفتن سازی در اقتصاد مقاومتی، تبیین صحیح این اصطلاح است. در بسیاری از موارد در اثر تبلیغات سوء دشمن یا افراد ناآگاه، اقتصاد مقاومتی در بین مردم به معنای اقتصاد ریاضتی و بستن دروازه کشور بر روی تعامل جهانی تعبیر می شود و حتی مثال کشور کره شمالی طرح می شود در حالی که واقعیت امر این است که اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد درون زا است نه یک اقتصاد درون گرا.

راهکارهایی برای آموزش اقتصاد مقاومتی به دانش آموزان:

بنجامین بلوم می گوید: ۶۵ درصد شخصیت کودکان تا ۵ سالگی و سپس ۷۵ درصد شخصیت آنان تا ۷ سالگی انجام می شود و ۲۵ درصد شخصیت آنان تا ۲۵ سالگی تکوین می یابد.

از طرف دیگر رفتار شناسان اعتقاد دارند ۹۰ درصد خلاقیت کودکان تا ۵ سالگی شکل می گیرد، ۷/۵ درصد آن تا ۸ سالگی و ۲/۵ درصد باقیمانده تا ۴۵ سالگی شکل می گیرد. لذا این نشان می دهد که ایجاد رفتارهای مطلوب تا حد بسیار زیادی بستگی به عملکرد خانواده و آموزش و پرورش از پیش دبستانی تا پایان دوره ی متوسطه دارد.

پژوهش های مختلف نشان می دهد آگاهی از نیازهای فرزندان و انجام رفتار مناسب مبتنی بر این نیازها در دوره های رشدی کودکی، نوجوانی و جوانی در نهاد خانواده و مدرسه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. تکلیف رشدی، یعنی تکالیفی که فرد در دوره های رشدی باید انجام دهد تا به حداکثر رشد شخصیتی نائل آید نیز می تواند مبنای برنامه های آموزشی و درسی قرار گیرد. آشنایی والدین با این تکلیف از طریق آموزش خانواده میسر است و آشنا کردن نو آموزان و دانش آموزان با تکلیف رشدی در قالب برنامه های رسمی و غیر رسمی آموزش و پرورش میسر می شود. باید در برنامه های آموزشی و درسی علاوه بر موارد فوق که ذکر شد، از تئوری ها بکاهیم و درس های عملی را افزایش دهیم. از همین دوران کودکی به کودک آموخته شود که کار هایش را خودش انجام دهد و مسئولیت آن ها را بپذیرد. فرزند می باید یاد بگیرد که برای خواسته هایش داوطلبانه محدودیت قایل شود و برای ارضاء هر خواسته ای آماده باشد تاوان و یا هزینه آن را بپردازد. وی می باید رنج کار را رنجی تحمیلی نداند، بلکه رنجی ضروری، مطلوب و حتی دلنشین برای زندگی دانسته و لازمه زندگی را مهرورزی، زحمت و رنج را ضروری برای مهر و مهرورزی بداند. عادت دادن فرزندان به نرمش پذیری در برابر نوسان های زندگی و تحمل سختی ها از جمله موضوعاتی است که در خانواده و مدرسه می تواند آموزش داده شود. تا در هنگام اجرای اقتصاد مقاومتی ناامیدی در فرزندانمان مشاهده نشود. با بررسی شعارهایی که معمار نظام نوین انقلاب اسلامی در سال های اخیر در خصوص اهمیت و جایگاه اقتصاد اسلامی بیان می دارد، جا دارد آموزش و پرورش به عنوان بزرگ ترین دستگاه فرهنگی و مولد نیروی انسانی بیش از گذشته دغدغه های معظم له را در دستور کار خود قرار دهد و با آموزش مفاهیم پایه و اساسی اقتصاد بر استحکام و مقاومت اقتصاد اسلامی بکوشد. یعنی باید مفاهیمی آموزش داده شود که هم باعث ایجاد دیوار دفاعی در مقابل دشمنان شود که به فکر انهدام چرخه اقتصادی کشور با ترفند هایی مانند تحریم ها هستند و هم مسیرهای انحرافی راهزنان اقتصاد داخلی را که در قالب رشوه، ربا، احتکار، رانت خواری، پارتی بازی و ... بروز و ظهور پیدا می کند، ریشه کن کند. در آموزش و پرورش مسائلی وجود دارد که موجب اتلاف آموزشی می گردد. در شرایط اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش باید به دنبال راه های کاهش اتلاف آموزشی باشیم، بدین لحاظ باید به دنبال تامین منابع

باشیم وازوابسته بودن بودجه آموزش وپرورش به بودجه ی دولتی و درآمد نفت بکاهیم ودرتوانمندسازی بخش خصوصی برای اداره آموزش وپرورش بکوشیم.

نتیجه گیری

فرهنگ سازی، مطالبه‌گری و آماده‌سازی این مجموعه عظیم برای مصرف درست و استفاده از کالای داخلی، ظرفیت‌هایی است که در وزارت آموزش و پرورش وجود دارد. باید با یک حرکت انقلابی و عظیم جامعه را به سمت استفاده از تولیدات داخلی سوق داد تا علاوه بر مصرف صحیح بتوانیم اقتصاد را مقاوم و شکوفا کنیم. باید با تقویت تولید، با اصلاح توزیع و مصرف صحیح، به اقتصاد مقاوم رسید و باید کاری کرد تا بیشتر تولید داخلی مصرف شود. هر چند در این خصوص حرکت‌های بسیاری صورت گرفته است، اما کافی نیست و وزارت آموزش و پرورش باید در تمامی این مسائل پیشرو باشد. شاخص‌های اختصاصی اقتصاد مقاومتی باید مرتبط با وظایف سازمانی هر حوزه و در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اسنادی مانند سند چشم‌انداز بیست ساله و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد. اصلاح فرایندهای کاری، ساماندهی و استفاده بهینه از تجهیزات اداری و آموزشی، فضاها و ساختمان‌ها و تجهیزات، استفاده از انرژی‌های نو، فرهنگ‌سازی و آموزش شاخص‌ها و راه‌کارهای اقتصاد مقاومتی به کارکنان، معلمان و دانش‌آموزان و اولیا، همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی برای ترویج فرهنگ قانون‌مداری و ترویج توسعه حقوق و رفتارهای شهروندی، مدیریت زمان و اوقات فراغت دانش‌آموزان، توسعه مشارکت‌های مردمی، برون‌سپاری خدمات آموزشی هنرستان‌های کار دانش، بازنگری و اصلاح برنامه‌ها و کتب درسی بخشی از اقدامات لازم جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است.

الگویی که در یک اقتصاد مقاومتی برای مدارس می‌توان ترسیم کرد، مدیریت مدارس خصوصی توسط ذینفعان آموزشی با سرمایه‌گذاری مدارس دولتی توسط دولت است. به عبارتی مشارکت بخش خصوصی به نحوی صورت پذیرد که در آن دولت هدایت سیاست‌گذاری و تامین سرمایه‌گذاری را به‌عهده گیرد و در حالی که بخش خصوصی خدمات آموزشی را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد، دولت قراردادی را با بخش خصوصی برای عرضه خدمات ویژه با کمیت و کیفیت تعریف و قیمت مشخص در دوره زمانی خاصی منعقد می‌کند. هدف اصلی مشارکت بخش خصوصی-دولتی افزایش دسترسی خانواده‌ها با ارائه پول به آنها برای تحصیل کودکان خود با جبران هزینه‌های آموزش است.

علاوه بر این مکانیزم عرضه و تقاضا انتخاب والدین، رقابت مدارس را افزایش می‌دهد و مدارس را پاسخگو می‌کند. بدین نحو والدین بهترین مدرسه را برای کودکان خود انتخاب می‌کنند و مدارس را وادار می‌کنند برای ثبت‌نام بیشتر دانش‌آموزان خود نتایج تحصیلی مدرسه را بهبود بخشند و در عین حال هزینه را کاهش دهند.

همچنین با انتخاب والدین مدارس، پاسخگویی به والدین را نسبت به پاسخگویی حکومت مرکزی ترجیح می‌دهند به این نحو با ارائه مشوق به مدارس رویکرد نوآورانه برای آموزش در مدارس توسعه می‌یابد. نتیجه آن که به دلیل بافت سنی موجود در آموزش و پرورش و حساسیت ویژه‌ای که در این بخش وجود دارد و بارها از سوی رهبر معظم انقلاب یادآوری شده است، جنگ روانی ناشی از تهدیدات خارجی باعث خواهد شد که سیاستگذاری‌های کلان آموزش و پرورش تحت تاثیر قرار گیرد.

بنابراین درگیر کردن جامعه آموزش و پرورش در اداره مدارس با مشارکت وزارتخانه آموزش و پرورش و دولت مقاومت جامعه را در مقابل تهدیدات مختلف افزایش خواهد داد و منجر به مقاومت در مقابل تهدیدات خارجی خواهد شد. آموزش و پرورش که عهده دار تعلیم و تربیت رسمی نوجوانان و جوانان به عنوان نیروی پیشران توسعه کشور می‌باشد نقش تعیین کننده‌ای در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تکیه بر توسعه و ارتقای نیروی انسانی و فرهنگ سازی دکتترین اقتصاد مقاومتی در کل کشور دارد.

وظیفه آموزش و پرورش در اقتصاد مقاومتی به تدریس تکدرس اقتصاد مقاومتی محدود نمی‌شود بلکه بایستی گفتمان اقتصاد مقاومتی در طراحی کلیه سرفصل‌های آموزشی حاکم باشد و علاوه بر آن در ساختار اداری آموزش و پرورش نیز گفتمان صرفه جویی، استفاده از تولیدات داخلی نهادینه شود.

پیشنادهای پژوهش

- ۱- تبلیغ کالای ایرانی بر روی جلد کلیه کتب و درخواست از تولید کنندگان برای تبلیغ بر روی دفاتر و نوشت افزار و آموزش، تشویق و فرهنگ سازی برای صرفه جویی، پرهیز از اسراف، تولید و مصرف کالای ایرانی.
- ۲- احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح آموزش و پرورش، جامعه و آموزش و بازخوانی ارزش ها و ضد ارزش ها در بین دانش آموزان و فرهنگیان.
- ۳- بیان اهمیت استفاده از تولیدات داخلی در عدم وابستگی کشور به بیگانگان.
- ۴- توصیه مستمر به همکاران و دانش آموزان نسبت به باز نبودن پنجره ها هنگام روشن بودن بخاری و کولر، رسیدگی به وضع شیرهای آب، استفاده از لامپ های کم مصرف و خاموش کردن لامپ های اضافی در مواقع غیر ضروری.
- ۵- برگزاری مسابقه، همایش و فراخوان علمی در سطح مدارس و ادارات.
- ۶- تشکیل جلسات تخصصی و میزگردهای علمی فرهنگی با موضوع حماسه اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در سطح ادارات و مدارس.
- ۷- برگزاری کلاس های آموزش اشتغال زایی و تولیدی برای دانش آموزان، همکاران فرهنگی و خانواده های آنان.
- ۸- آگاه کردن دانش آموزان نسبت به استفاده بهتر از منابع مالی و خرید در حد نیاز.
- ۹- آگاه کردن دانش آموزان به منابع محدود نفت، گاز و موارد دیگر.
- ۱۰- حمایت از ایده ها، طرح ها و اقدامات خلاقانه و مبتکرانه مرتبط با حماسه اقتصادی دانش آموزان و فرهنگیان.
- ۱۱- ترویج سبک زندگی اسلامی و مبارزه با شیوه های نادرست زندگی فعلی برای فرهنگیان، دانش آموزان و اولیاء

۱۲- سرفصل هر کتاب از اول دبستان تا انتهای تحصیل مزین به یک حدیث و یک نکته اقتصادی باشد. همچنین ایجاد سرفصل های مناسب در کتب درسی برای اقتصاد مقاومتی و موضوعات مرتبط با آن مانند قناعت، صرفه جویی، پرهیز از تجمل.

منابع:

- [۱] آقا محمدی، ع. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی راهی برای تحقق چشم انداز، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۲۲۳.
- [۲] احمدپور داریانی، م. مقیمی، س، م. (۱۳۹۵). مبنای کارآفرینی. انتشارات نگاه دانش، ۴۴۶ صفحه.
- [۳] اختری، ع. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی: زمینه ها-راه کارها، انتشارات امیرکبیر، ۳۶۴ صفحه.
- [۴] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۶ / ۶ / ۸۹.
- [۵] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶ / ۵ / ۹۱.
- [۶] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲ / ۶ / ۹۱.
- [۷] خانی، ح. (۱۳۹۳). نقش آموزش و پرورش در تجلی اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت چالش ها و راه کارها، شیراز، مرکز همایش های علمی همایش نگار.
- [۸] ربیعی، ع. مصادق زاده، ح. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی سرمایه ی اجتماعی بر کارآفرینی، رفاه اجتماعی، صفحات ۲۲۱-۱۹۱.
- [۹] سعیدی کیا، م. (۱۳۹۴). کارآفرینی. انتشارات آها. ۲۲۹ صفحه.
- [۱۰] سعیدی مهر، ع. (۱۳۹۵). جایگاه آموزش و پرورش و فرهنگ در اقتصاد مقاومتی، خبرگزاری برنا. کد خبر ۴۰۲۱۷۴، خرداد ماه.